

فرهنگ؛ قطب‌نمای مسیر افزایش جمعیت

باروری و جمعیت، پدیده‌ای چندبعدی است که فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در دگرگونی‌های آن نقشی تعیین‌کننده دارند و شناخت این جایگاه، مردم و سیاست‌گذاران را در پیشبرد الگوی افزایشی یاری می‌رساند.



باروری و جمعیت، پدیده‌ای چندبعدی است که فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در دگرگونی‌های آن نقشی تعیین‌کننده دارند و شناخت این جایگاه، مردم و سیاست‌گذاران را در پیشبرد الگوی افزایشی یاری می‌رساند.

افزایش جمعیت‌فرهنگ سازی، فرآیندی سه مرحله‌ای، شامل تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی است که از رهگذر آن، زمینه برای دگرگونی نگرش‌ها، باورها، ایدئولوژی‌ها و نیز انتقال اطلاعات و سبک‌های زندگی، در مسیر سازگاری انسان با محیط فراهم می‌شود. فرهنگ سازی و تثبیت مؤلفه‌های فرهنگی از ارکان اساسی هر فرهنگ به شمار می‌رود؛ اما این مفهوم هرگز به دگرگونی‌های زودگذر و مقطعی که صرفاً برآمده از بازخوردهای اجتماعی هستند، اطلاق نمی‌شود. آنچه فرهنگ سازی خوانده می‌شود، باید چنان پدید آید که ارزش‌ها، سنت‌ها، اندیشه‌ها و بنیادهای فرهنگی تداوم یابند و ریشه بدوانند.

یادداشت پیش رو در پی تبیین روش‌های فرهنگ سازی در موضوع ازدیاد نسل و فرزندآوری است. فرهنگ سازی در این نوشتار عبارت است از اشاعه و تثبیت هر گونه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی که به افزایش باروری و جمعیت یاری می‌رسانند. در فرآیند فرهنگ سازی مرتبط با جمعیت، هدف اصلی، آشکارسازی نقش ارزش‌ها و نظام‌های معنایی در شکل‌گیری رفتارهای باروری و اندازه مطلوب خانواده است. این فرآیند، تأثیر زمینه اجتماعی و فرهنگی بر باروری را بررسی می‌کند و بر عواملی تمرکز دارد که در ایجاد و تغییر این ارزش‌ها نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. اهمیت فرهنگ سازی در افزایش جمعیت

جایگاه فرهنگ سازی در سامانه جامع ازدیاد نسل به اندازه‌ای است که رهبر شهید انقلاب اسلامی بر آن تأکید فراوان داشتند و ضمن ابراز تأسف از انجام نشدن کار صحیح فرهنگی، معتقد بودند: «می‌خواهیم مسئله به شکل عمیق و علمی حل شود؛ گره‌های ذهنی‌ای که وجود دارد، باز شود، حقیقت قضیه روشن شود... از گذاشتن قانون به نظر من مهم‌تر است؛ چون فرهنگ سازی در این مسئله مثل بسیاری از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند؛ باید فرهنگ سازی شود که متأسفانه امروز این فرهنگ سازی نیست، تعطیل است؛ با اینکه حالا گفته شده، ما هم گفته ایم، دیگران هم گفته اند، در مجلس هم مطرح شده، بعضی‌ها هم کم و بیش اینجا و آنجا بحث می‌کنند، لکن کار فرهنگی به معنای صحیح انجام نگرفته است.» (بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار با اعضای همایش ملی تغییرات جمعیتی، ۶/۸/۱۳۹۲)

باروری و جمعیت، پدیده‌ای چندبعدی است که فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در دگرگونی‌های آن نقشی تعیین‌کننده دارند. شناخت این جایگاه، مردم و سیاست‌گذاران را در پیشبرد الگوی افزایشی یاری می‌رساند. فرهنگ سازی هم از سوی مردم و گروه‌های اجتماعی و هم از جانب حکومت‌ها امکان‌پذیر است؛ اما از آنجا که امروزه رسانه‌های ارتباطی در اشاعه فرهنگ نقش محوری دارند و ابزار پیشرفته ساخت و انتشار فرهنگ در اختیار حکومت‌هاست، در اینجا تأکید اصلی بر نقش سیاست‌گذاران جمعیتی و متولیان فرهنگ خواهد بود. در ادامه، به راهکارهای اجرای این فرهنگ سازی اشاره خواهد شد. نخست: ترویج سبک زندگی اسلامی

برای حل مسائل اجتماعی به طور عام و مسئله جمعیت به طور خاص، هیچ راهکاری از ترویج سبک زندگی و گسترش فرهنگ دینی مهم‌تر نیست؛ زیرا ارزش‌ها و باورهای دینی، حامی و مشوق تشکیل خانواده، تکثیر نسل و فرآیندهای آن هستند. بنابراین، همه‌آحاد جامعه، به ویژه دولت اسلامی باید در ترویج سبک زندگی اسلامی و تحقق اهداف دینی نقش آفرینی کنند.

ارتقای بنیادهای دینی و ترویج سبک زندگی دین‌مدار از طریق فرهنگ سازی، یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی است. حاکمیت دینی همچنان که نسبت به آبادانی کشور، سلامت عمومی، اقتصاد و محیط زیست مسئول است، نسبت به ارتقای وضعیت اعتقادی، اخلاقی و رفتاری جامعه نیز وظیفه دارد. بنابراین، اتخاذ هر سیاستی که با آموزه‌های دینی در تضاد باشد و به گسترش اندیشه‌های نادرست، دنیاگرایی، زوال مرزهای جنسیتی، تضعیف کارکردهای خانواده، دگرگونی الگوهای تربیتی، کاهش همبستگی اجتماعی، کاهش گرایش به ازدواج و افزایش ناپایداری خانواده بینجامد، حرکتی خلاف اندیشه دینی است.

هر یک از این وضعیت‌ها به نوبه خود در کاهش فرزندآوری تأثیر دارند. از این رو، نظام اسلامی باید نسبت به پیامدهای اعتقادی، اخلاقی و جمعیتی شناختی اندیشه‌های غیردینی، از محتوای رسانه‌ای گرفته تا اسناد توسعه‌ای حساس باشد و از اشاعه

حکومت اسلامی در این مسیر باید از همه ظرفیت‌های نظام آموزشی، ابزار رسانه‌ای و نظام حقوقی و اخلاقی بهره بگیرد و افزون بر مقابله با اندیشه‌های وارداتی مخرب، در ساحت ایجابی نیز باید به فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، به ویژه در زمینه تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، فرزندآوری و فرزندپروری همت گمارد. آموزه‌های اسلامی در زمینه ازدیاد نسل، راهکارهایی ارائه داده که در ادامه مرور خواهد شد.

ترغیب به ازدواج بهنگام و آسان

افزایش سن ازدواج و تأخیر در آن، امروزه یکی از عوامل مهم کاهش باروری است، در حالی که اسلام با رویکردی مثبت به ازدواج می‌نگرد و خواستار تحقق آن در آغازین سال‌های بلوغ است. از منظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روان آدمی و از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است. (سوره روم، آیه ۲۱) ترغیب مسلمانان به ازدواج، به ویژه در سن جوانی و نکوهش تجرد و رهبانیت، در سخنان پیشوایان دینی جایگاه ویژه‌ای دارد. در اسلام برای ازدواج کارکردهای بسیاری برشمرده شده است: پیروی از سنت پیامبر(ص)، قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند، به خشم آوردن شیطان، کامل شدن ایمان و زیاد شدن روزی.

از سوی دیگر، مسلمانان از تأخیر در ازدواج برحذر داشته شده‌اند. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «جبرئیل امین بر پیامبر خدا نازل شد و عرض کرد: ای محمد، پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران و زنان باکره مانند میوه درختان هستند و همان‌طور که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چیدن ندارد، وگرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران و زنان باکره هم چاره‌ای جز ازدواج ندارند، وگرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند، چون بشرند.»

این در حالی است که به دلیل مشکلات اقتصادی، هزینه‌های سنگین تشکیل خانواده از یک سو و رواج سنت‌های فرهنگی بی‌پایه از سوی دیگر، ازدواج دیرنگام و سخت شده است که در سنت‌های فرهنگی ریشه دارد. از این رو، یکی از راهبردهای کلیدی و تأثیرگذار فرهنگی برای افزایش جمعیت، فرهنگ‌سازی در راستای ازدواج بهنگام و آسان است.

رهبر شهید انقلاب همه دستگاه‌های دولتی را به توصیه عمومی تشویق کرده و فرموده‌اند: «من خودم توصیه‌ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهریه‌ها زیاد نشود؛ جهیزیه‌ها سنگین نشود؛ در مراسم و مهمانی‌ها خیلی ریخت و پاش نشود و اسراف آمیز نباشد. باید روی این کار شود. چقدر خوب است که از لحاظ فرهنگی و هنری تبلیغ شود تا مردم این‌ها را فراگیرند. اگر این را فراگرفتند، من فکر می‌کنم که ازدواج آسان خواهد شد.» (بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار با جمعی از جوانان، ۷/۲/۱۳۷۷)

ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده نیز بر «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی» (ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، ۱۳/۶/۱۳۹۵) تأکید کردند.

فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در این زمینه، نمایش معایب زندگی مجردی، بازنمایی الگوهای دینی درباره ازدواج ساده و بهنگام در آثار هنری، رسانه‌ها و محتواهای آموزشی و تشویق مادی و معنوی زوج‌های جوانی که زندگی را ساده و بهنگام آغاز می‌کنند، از اقدامات مؤثر به شمار می‌رود.

در این میان، تغییر نظام آموزشی، به ویژه برای دختران و تطبیق آن با نقش‌های جنسیتی، می‌تواند در حل مسئله افزایش سن ازدواج کارآمد باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، افزایش فرصت‌های تحصیلی برای دختران، با افزایش سن ازدواج آنان در کشورهای غربی که این شاخص‌ها را تجربه کرده‌اند، رابطه‌ای معنادار دارد. از این رو، شناورسازی ساختار نظام آموزشی و طولانی‌تر کردن داوطلبانه دوره تحصیل برای زنان، از راهکارهای تطبیق نظام آموزشی با نقش‌های جنسیتی است.

نکوهش تجرد

با توجه به جایگاه قدسی ازدواج در گفتمان دینی، ترجیح تجرد و تأخیر طولانی در ازدواج، در صورت نداشتن توجیه شرعی، با فلسفه وجودی خانواده در نظام ارزشی اسلام تعارض دارد. در ایران، از سال ۱۳۷۵، درصد تجرد قطعی برای پسران و دختران روندی افزایشی داشته است. در سال ۱۳۴۵، آمار تجرد قطعی پسران ۶۸ درصد بیشتر از دختران بود، اما از سال ۱۳۸۵، تجرد قطعی دختران از پسران پیشی گرفت؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ این رقم برای دختران، ۱/۴۷ درصد بیش از پسران شد. (مرکز آمار ایران) رواج این پدیده در میان دختران آسیب‌زایی بیشتری دارد؛ زیرا افزون بر آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی، گذر دختران از سن تجرد قطعی به معنای محرومیت جامعه از توانایی فرزندآوری آنان است.

رهبر شهید انقلاب نیز با تأکید بر رویکرد دین در نکوهش تجرد فرموده اند: «خدای متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی آید... خدای متعال از زندگی مشترک و مزدوج خوشش می آید.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عقد و ازدواج، ۲۰/۱۱/۱۳۷۵) و نیز: «آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به تنهایی می گذرانند. از دید اسلام چیز مطلوبی نیست، مثل موجودی بیگانه است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام این طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد، نه فرد تنها.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عقد و ازدواج، ۵/۱۰/۱۳۷۵)

با توجه به این گزاره های دینی، سیاست گذاران فرهنگی باید با دقت بیشتری به موضوع بنگرند. نخست، علل و عوامل گوناگون تجرد، به ویژه علل فرهنگی را رصد و موانع ازدواج را برطرف کنند. چه بسا بسیاری از موارد تجرد، انتخابی نیست و عوامل ناخواسته آن را پدید می آورد. تبیین کارکردهای مثبت تشکیل خانواده و کژکارکردهای تجرد و نیز احیای واسطه گری در ازدواج متناسب با دنیای جدید، از اقدامات ضروری است.

از سوی دیگر، نکوهش تجرد باید به صورتی هنرمندانه در برنامه های رسانه ملی بازنمایی شود. محتوای درسی نظام آموزشی نیز جایگاه مناسبی برای این نگرش نکوهش آمیز دارند. همچنین، گنجاندن تأهل به مثابه ارزشی فرهنگی در شرایط احراز مشاغل و مناصب اجتماعی، می تواند بر گرایش افراد به خروج از زیست مجردانه تأثیر بگذارد.